

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا **~** إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا (1)

بگو: وحی فرستاده شده به سوی من آنکه گوش داد گروهی از جن پس گفتند: هر آینه ما شنیدیم قرآنی حیرت آوری را. (1)

يَهْدِي **~** إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ **مِ**سِي وَ لَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (2)

رهنمائی می نماید به سوی راه راست پس ایمان آوردیم ما به آن؛ و هرگز نمی سازیم شریک به پروردگار ما هیچ یک را. (2)

وَ أَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا (3)

و آنکه او بلند است جلال و عظمت پروردگار ما، نگرفته است همسری و نه فرزندی. (3)
وَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (4)

و آنکه او بود می گفت نادان ما بر ضد خدا سخنان بسیار دور از حق. (4)

وَ أَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نَقُولَ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (5)

و آنکه ما گمان کردیم آنکه هرگز نگوید انس و جن بر ضد خدا دروغی. (5)

وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (6)

و آنکه بود مردانی از انس پناه می برند به مردانی از جن پس افزودند ایشان را سرکشی و بدکاری (ستم). (6)

وَ أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (7)

و آنکه ایشان گمان کردند چنانکه گمان کردید شما آنکه هرگز نمی سازد دوباره زنده خدا هیچ یک را. (7)

وَ أَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا مُلَأَّتًا حَرَسًا شَدِيدًا وَ شُهَبًا (8)

و آنکه ما تماس (قصد) کردیم آسمان را پس یافتیم آن را پُر شده از نگاه بانان نیرومند و

شعله های آتش. (8)

وَ أَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدَ لِلسَّمْعِ صلى فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (9)

و آنکه ما بودیم می نشستیم در کنار آن در نشیمن گاه ها برای شنیدن؛ پس کسی که گوش بدهد حال می یابد برای خود شعله آتشی در انتظار. (9)

وَ أَنَا لَا نَدْرِي~ أَسْرُّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (10)

و آنکه ما نمی دانیم آیا بدی ئی اراده کرده شده به کسانی که در زمین اند یا اراده کرده است به ایشان پروردگار ایشان خیری؟ (10)

وَ أَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَ مِنَّا دُونَ ذَلِكَ صلى كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا (11)

و آنکه ما بعضی از ما شائسته کاران بودند و بعضی از ما غیر این؛ بودیم ما در راه های گوناگون. (11)

وَ أَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَ لَنْ نُعْجِزَهُ~ هَرَبًا (12)

و آنکه ما گمان کردیم (دانستیم) آنکه هرگز نمی توانیم ناتوان بسازیم خدا را در زمین و هرگز نمی توانیم ناتوان بسازیم خدا را در گریختن از او. (12)

وَ أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى~ ءَأَمْنَا بِهِ صلى فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ~ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَ لَا رَهَقًا (13)

و اینکه ما چون شنیدیم هدایت (قرآن) را ایمان آوردیم به آن؛ پس کسی که ایمان می آورد به پروردگار خود پس نمی ترسد هیچ نقصان و یا کاهشی را و نه ستمی را. (13)

وَ أَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقَاسِطُونَ صلى فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَى~ نِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (14)

و آنکه ما بعضی از ما تسلیم شده گان به فرمان خدا بودیم و بعضی از ما ستم گران و بیداد گران؛ پس کسی که تسلیم به فرمان خدا شد پس آنها برگزیدند راه راست را. (14)

وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (15)

و اما ستم گران و بیداد گران را پس باشند برای دوزخ هیزمی. (15)

وَ أَلُو اسْتَقْفَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (16)

و آنکه اگر استقامت می کردند بر راه البته می نوشانیدیم ما ایشان را آب فراوان. (16)

لِنَفْسِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْأَلْهُ عَذَابًا صَعَدًا (17)

تا بیازمائیم ما ایشان را در آن. و کسی که بر می گردد از یاد کردن پروردگار خود در می آورد او را در عذاب سختی دائمی ئی. (17)

وَ أَنْ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (18)

و آنکه مسجد ها برای خدا است پس نخوانید همراه خدا هیچ یک را. (18)

وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (19)

و آنکه چون ایستاده شد بنده خدا می خواند (عبادت می کرد) خدا را نزدیک بودند (جن ها) باشند بر او بر یکدیگر متراکم (چسبیده). (19)

فَلْ إِنْ مَأْ أَدْعُوا رَبِّي وَ لَا أُشْرِكُ بِهِ - أَحَدًا (20)

بگو: جز این نیست که عبادت می کنم پروردگار خود را و نمی سازم شریک به او هیچ یک را. (20)

فَلْ إِنْ مَأْ أَدْعُوا رَبِّي وَ لَا أُشْرِكُ بِهِ - أَحَدًا (20)

بگو: هر آئینه من ندارم (نمی توانم) برای شما زینانی و نه راه راستی. (21)

فَلْ إِنْ مَأْ أَدْعُوا رَبِّي مِنْ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (22)

بگو: هر آئینه من هرگز نمی دهد نجات مرا از (عذاب) خدا هیچ یک و هرگز نمی یابم از غیر خدا پناه دهنده ئی. (22)

إِلَّا بَلَدًا مِّنَ اللَّهِ وَ رِسَالَتِهِ ۚ وَ مَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (23)

مگر خبر رساندن از (جانب) خدا و پیغام های او. و کسی که می کند نافرمانی خدا را و پیغمبر او را پس هر آئینه برای او است آتش دوزخ باشنده گان در آن همیشه. (23)

حَتَّىٰ - إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَ أَقْلُ عَدَدًا (24)

تا اینکه وقتیکه دیدند آنچه وعده داده می شوند پس خواهند دانست کیست ناتوان تر در یاری دادن و کمتر در شمار. (24)

فَلْ إِنْ أَدْرَى - أَ قَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي - أَمَدًا (25)

بگو: نمی دانم من که آیا نزدیک است آنچه وعده داده می شوید یا می سازد برای آن پروردگار من مدت درازی. (25)

عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (26)

دانای نادیده پس نمی سازد آشکار بر نادیده خود هیچ یک را. (26)

إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكُم بَيْنَ يَدَيْهِ وَ مَن خَلْفَهُ رَصَدًا (27)

مگر کسی را که خوشنود شد (خدا) از پیغمبری پس هر آئینه او می کند روان از میان دو دست او و از عقب او نگهبانانی. (27)

لِيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَ أَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَ أَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (28)

تا بداند آنکه به یقین رسانیدند پیغام های پروردگار ایشان را و در بر گرفت (خدا) به آنچه نزد ایشان است و حساب کرد (خدا) همه چیز را شمار کردن. (28)